

بقیع از دیدگاه دانشمندان اندلس

حمیدرضا مطهری^۱

چکیده

دانشمندان اندلس نگاه و اهتمام ویژه‌ای به بقیع داشته و گزارش‌های مربوط به آن را به گونه‌های مختلف در آثار خود آورده‌اند. جایگاه بقیع به عنوان بقعه‌ای متبرک و محل حضور پیامبر ﷺ و اصحاب و مدفن بسیاری از آنان سبب شده تا اندلسی‌ها، همانند دیگر مسلمانان، بدان توجه داشته و در بازتاب اخبار آن بکوشند. این پژوهش دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که بقیع چه جایگاهی نزد دانشمندان اندلس داشته و چگونه در آثار آنان بازتاب یافته است. پاسخ به شیوه وصفی - تحلیلی و با تکیه بر داده‌های تاریخی به بیان موقعیت جغرافیایی، فضیلت و جایگاه بقیع، رخدادهای مرتبط با آن و بیان جزئیات مقابر بقیع در آثار دانشمندان اندلس می‌پردازد. البته نباید از این نکته غافل شد که انگیزه‌های سیاسی و مذهبی در گزارش‌های اندلسی‌ها به‌گونه‌ای اثرگذار بوده که گاه برخی نمادهای معروف تشیع، همانند مقابر اهل بیت (ع)، را نادیده گرفته‌اند. واژگان کلیدی: دانشمندان اندلس، تکریم اهل بیت (ع)، مدفونان بقیع، مشاهد بقیع.

۱. دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (h.motahari@isca.ac.ir)

مقدمه

بقیع یکی از نمادهای مهم جهان اسلام است که همه مسلمانان، از جمله اندلسی‌ها و دانشمندان آن خطه، نگاه ویژه‌ای به آن داشته‌اند و به مناسبت‌های مختلف در انعکاس اخبار آن کوشیده‌اند. اندلسیان گاه به عنوان زائر مدینه به توصیف آن پرداخته و گاه به مناسبت اخبار صدر اسلام و زندگانی پیامبر ﷺ و صحابه، بیان مقبره آنان و توصیف بقعه‌های بناشده بر مزار برخی بزرگان و برخی نیز در تفسیر بعضی از آیات بدان توجه کرده‌اند. این خود بیانگر اهمیت و جایگاه آن نزد دانشمندان اندلس است. نوشتار پیش رو بر آن است تا چگونگی انعکاس اخبار بقیع در آثار آنان و تفاوت نگاه آنان به مقابر اهل بیت ﷺ و دیگران را تبیین کند.

پیشینه

اگرچه درباره بقیع پژوهش‌های فراوانی شده است، اما مقاله یا کتابی با این عنوان یا شبیه آن، که بیانگر دیدگاه دانشمندان اندلس درباره بقیع باشد، یافت نشد. البته نگارنده در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بقیع و مشاهد آن در آثار سفرنامه‌نویسان غرب اسلامی» که در شماره یازدهم فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه حج و زیارت منتشر شده به این موضوع اشاره کرده است؛ اما چنان‌که از عنوان آن مقاله و این نوشتار پیداست از جهات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؛ نخست آنکه آن مقاله به سفرنامه‌ها پرداخته و دیگر آنکه موضوع را در غرب اسلامی، یعنی شمال آفریقا و اندلس، پی گرفته و اختصاص به دانشمندان اندلس ندارد. ویژگی این مقاله تمرکز بر دیدگاه دانشمندان اندلس است.

بیان موقعیت جغرافیایی بقیع، جایگاه و اهمیت آن، زیارت پیامبر ﷺ

و صحابه در بقیع، برخی رخدادهای مرتبط با بقیع و دفن بزرگان در آن و حتی اشاره به حضور کاروان‌های تجاری در آن و نام‌گذاری در مناطق دیگر به نام بقیع، از مسائل مهمی است که دانشمندان اندلس به آنها توجه ویژه داشته و در این نوشتار بدان‌ها پرداخته شده است.

مفهوم شناسی

بقیع: بقیع از ماده «بقع» به زمینی گفته می‌شود که با زمین‌های مجاور تفاوت داشته باشد و نیز زمینی که درختان و بوته‌های آن پراکنده باشند (فراهیدی، بی تا، ص ۱۸۴)^۱ و در اصطلاح منابع اسلامی به قبرستان مدینه بقیع گفته می‌شود (بکری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۶۵) که به علت رویش درختی به نام غرقد در آن به «بقیع الغرقد» هم معروف است. (فراهیدی، بی تا، ص ۱۸۴؛ بکری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۶۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۴۶)

اندلس: این نام بر اسپانیای تحت قلمرو مسلمانان اطلاق می‌شده و امروزه استان جنوبی کشور اسپانیا است. درباره علت نام‌گذاری این ناحیه به اندلس دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است؛ برخی آن را برگرفته از اسم ساکنان اولیه آنجا به نام «واندلوش» می‌دانند. (مقری، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۶۷) برخی معتقدند به نام آبادکننده آن - یعنی اندلس بن یافث بن نوح علیه السلام که پس از طوفان این نقطه را آباد کرد - نام‌گذاری شده است. (ابن خلکان، ۲۰۰۵م، ج ۱ ص ۵۷) عده‌ای دیگر این واژه را از نام قوم اندلیش که در آنجا زندگی می‌کردند، دانسته‌اند که با تغییراتی به این صورت درآمده است. (عنان، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۴۷) ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ق.) معتقد است که اندلس از «فندلس» گرفته شده و فندلس هم از فندال یا واندال^۲ گرفته شده است. (ابن خلدون، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۲۳۵) واندال‌ها از اقوام اروپای شمالی بودند که به سمت جنوب این

۱. برای اطلاع بیشتر درباره وجه تسمیه و تاریخ بقیع ر.ک: امینی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۵ - ۳۰.

قاره سرازیر و با ورود به شبه جزیره ایبری، در جنوب آن ساکن شدند و نام آنها بر آن منطقه نهاده شد. با توجه به آنکه اولین منطقه از شبه جزیره، که مسلمانان با آن مواجه شدند، همین منطقه بوده است به نظر می‌رسد این قول به واقعیت نزدیکتر است. به هر حال اندلس از هر واژه‌ای که گرفته شده باشد، مسلمانان بر اسپانیای اسلامی - یعنی مناطقی از شبه جزیره ایبری، که تحت سیطره و حاکمیت مسلمانان بود - اطلاق می‌کردند. (مؤنس، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۰) بنابراین اندلس بر اسپانیای تحت حکومت اسلامی قطع نظر از وسعت آن اطلاق می‌شد و از این رو در دوران اقتدار مسلمانان، اسپانیا و حتی پرتغال امروزی را در بر می‌گرفت و در دوران ضعف مسلمانان، به‌ویژه در سال‌های پایانی حضور آنان در آنجا، حاکمیت مسلمانان و به دنبال آن منطقه اندلس شامل قسمت اندکی از اسپانیا می‌شد.

آثار: این واژه جمع «اثر» به معنای نشان و آنچه از کسی باقی بماند (عمید، ۱۳۸۹ش، ص ۷۱) و به معنای تألیف و تصنیف و آنچه از یک نویسنده باقی می‌ماند، آمده است. (معین، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۴۱) منظور از آثار دانشمندان اندلس در این نوشتار کتاب‌هایی است که دانشمندان آن ناحیه نوشته‌اند.

چگونگی انعکاس اخبار بقیع

اهمیت، فضیلت و جایگاه بقیع، بیان موقعیت جغرافیایی بقیع، گزارش رخدادهای مرتبط با بقیع، مدفونان در بقیع، مشاهد خاندان پیامبر ﷺ، نام‌گذاری اماکنی به نام بقیع، سوگواری و حضور زنان در بقیع از موضوعاتی هستند که در آثار دانشمندان اندلس بدان‌ها پرداخته شده است.

۱. فضیلت و جایگاه بقیع

جایگاه بقیع و اهمیت آن نزد مسلمانان به اندازه‌ای بوده و هست که بیشتر کسانی که در این باره اثری دارند، به این جایگاه پرداخته‌اند. از این رو یکی از نکات

مهم مطرح در آثار دانشمندان اندلس درباره بقیع بیان جایگاه آن و ذکر اخبار و گزارش‌ها در این باره است. ابن جبیر (۵۴۰-۶۱۴ق.) مدینه را دارای چهار دروازه می‌داند که یکی از آنها باب البقیع نام دارد. (ابن جبیر، ۲۰۰۸م، ص ۱۵۶) تصریح به باب البقیع میان درهای مدینه بیانگر اهمیت و جایگاه بقیع است.

ابن عربی^۱ (۵۶۰-۶۳۸ق.) هم اهتمام خاصی به بیان جایگاه بقیع و مدفونان در آن داشته و نامه‌ای با عنوان «رسالة اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمة و المناسک» از یکی از ادیبان مغرب ذکر کرده و در آن به مناسک و اکرام اماکن متبرک در مکه و مدینه پرداخته و پس از توسل و تبرک به پیامبر ﷺ به بقیع پرداخته و به زیارت آن توصیه کرده است. در این نامه به بیان کلی اکتفا نشده و بر زیارت برخی مقابر آن توصیه و تأکید شده و می‌گوید قبور امهات مؤمنین و عباس و حسن بن علی ﷺ را در بقیع زیارت کن. در ادامه به قبر عثمان در آخر بقیع و قبر فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین ﷺ اشاره کرده و در پایان می‌گوید هنگام خروج از بقیع قبر صفیه، عمه پیامبر ﷺ و مادر زبیر را فراموش نکن. (ابن عربی، ۲۰۰۱م، ج ۲، ص ۱۸۵) عجیب آن است که از قبور دیگر ائمه بقیع ﷺ نامی نبرده و مهم‌تر آنکه هیچ اشاره‌ای به قبر حضرت زهرا ﷺ نیز نکرده است که با توجه به جایگاه آن حضرت نزد مسلمانان شاید بتوان گفت بقیع را مدفن حضرت فاطمه ﷺ نمی‌دانسته است.

ابن رشید (۶۵۷-۷۲۱ق.) از زیارت بقیع در دو مرحله خبر داده است که نخست پیش از رفتن به مکه و دیگر پس از بازگشت از آن است و به گفته خود برای تجدید زیارت به بقیع رفته و در آنجا از زیارت مدفونان در بقیع سخن گفته و از خداوند می‌خواهد تا همراه مدفونان در بقیع محشور شود.

۱. ابن عربی «رسالة اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمة و المناسک» را در کتاب «محاضرة الابرار و مسامرة الاخيار فی الادبیات و النوادر و الاخبار» آورده و آن را به یکی از ادیبان مغرب نسبت داده که به دوست خود در مکه نوشته است. (ر.ک. ابن عربی، ص ۱۸۲) اما یکی از محققان مغربی آن را به ابن جبیر نسبت داده و با همین عنوان تحقیق کرده و به صورت کتابی مستقل منتشر کرده است. (ابن جبیر، ۲۰۱۴م، ص ۱۱).

(ابن رشید، ۱۹۹۸م، ج ۵، ص ۱۸) حضور دوباره در بقیع برای زیارت و تأکید بر آن و نیز چنین دعایی بیانگر جایگاه بقیع نزد وی و مسلمانان همراه اوست.

دانشمندان اندلس در آثار خود به اهمیت و جایگاه بقیع پرداخته و به سیره رسول خدا ﷺ در این باره توجه کرده‌اند؛ برای نمونه برخی نویسندگان اندلسی در بیان اهمیت و جایگاه بقیع به حضور چندین باره پیامبر ﷺ در بقیع به بهانه‌های مختلف، مانند زیارت مدفونان در آن یا حضور در تشییع جنازه مسلمانان، خبر داده‌اند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ برای تفهیم بهتر برخی مطالب، مانند دنیا و آخرت، آن را در بقیع بیان می‌کردند. ابن عربی ذیل آیات شریفه ۵ تا ۱۰ سوره لیل: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنِيَّ لَهُ عِيسَى * وَأَمَّا مَنْ جَحَلَ وَاسْتَعْتَى * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنِيَّ لَهُ عِيسَى﴾ از حضور حضرت محمد ﷺ در تشییع جنازه یکی از مسلمانان در بقیع و بیان نکاتی درباره این آیه و عمل انسان خبر می‌دهد. (ابن عربی، ۲۰۰۳م، ج ۴، ص ۱۹۹۴) گزارش‌هایی هم از استغفار پیامبر ﷺ برای مدفونان در بقیع در آثار دانشمندان اندلس دیده می‌شود. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲م، ج ۴، ص ۱۷۶۵)

نکته دیگری که دانشمندان اندلس درباره بقیع به آن توجه کرده‌اند، حضور پیامبر ﷺ در بقیع و نماز و دعای شبانه ایشان است. ابن شیخ خبر عایشه از تعقیب پیامبر ﷺ به سوی بقیع را آورده و اینکه در شبی که رسول خدا ﷺ در خانه عایشه بوده پس از مدتی از خانه خارج شده و عایشه نیز او را تعقیب کرده تا به بقیع رسیده و در آنجا به راز و نیاز پرداخته و سپس به منزل بازگشته است. (بلوی، ۲۰۰۹م، ج ۲، ص ۸۵) در ادامه همین گزارش سخن پیامبر ﷺ درباره چگونگی استغفار برای اهل بقیع آمده است که فرمود: جبرئیل از آن حضرت خواست تا چنین برای آنان طلب آمرزش کند: «السلام علی اهل الدیار من المؤمنین، و یرحم الله المستقدمین منا والمستأخرین، وانا ان شاء الله بکم لاحقون» (همانجا)

ابن شیخ (۶۰۴ق). گزارش‌های دیگری نیز از بقیع دارد که از جمله آنها زیارت بقیع و مدفونان در آن است. (همان، ۲۰۰۹م، ج ۲، ص ۴۳۹)

۲. جانمایی بقیع و مقابر آن

یکی از نخستین نکاتی که در آثار دانشمندان اندلس دیده می‌شود، جانمایی و بیان موقعیت جغرافیایی بقیع برابر شهر مدینه و دیگر توصیف مکان مقبره‌های آن است.

ابن جبیر (۵۴۰ - ۶۱۴ ق.) موقعیت جغرافیایی بقیع را شرق مدینه بیان کرده و سپس به توصیف آن می‌پردازد. او درباره مکان‌های بقیع نیز به موقعیت آنها در این قبرستان مقدس اشاره کرده و می‌گوید:

اولین چیزی که در سمت چپ خود هنگام خروج از بقیع می‌بینی مزار صفیه، عمه پیامبر ﷺ و مادر زبیر است و جلوتر از آن قبر مالک بن انس، امام اهل مدینه، قرار دارد که قبه کوچکی با بنایی ساده بر آن نهاده شده است. پس از آن قبر ابراهیم، فرزند رسول خدا ﷺ با گنبدی سفیدرنگ دیده می‌شود. در سمت راست قبر عبدالرحمان اوسط از فرزندان عمر بن خطاب قرار دارد. او همان کسی بود که خلیفه دوم او را تازیانه زد و مریض شد و درگذشت. در امتداد آن قبر عقیل و عبدالله بن جعفر قرار دارد.

در ادامه به دیگر قبور و بقعه‌های بقیع پرداخته و از مقبره همسران پیامبر ﷺ و سپس فرزندان آن حضرت به صورت جداگانه یاد کرده است. ابن جبیر در ادامه به روضه عباس بن عبدالمطلب و امام حسن بن علی علیهما السلام پرداخته و قبر آنها را اندکی مرتفع از سطح زمین توصیف کرده و سپس به تزئینات آنها اشاره و از زیبایی آنها یاد کرده و در ادامه آن قبر ابراهیم، فرزند پیامبر ﷺ را نیز همانند آن توصیف کرده است. ابن جبیر در ادامه از مکانی منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام نام برده و اینکه این خانه به بیت الحزن معروف بوده است؛ مکانی که حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پدر بزرگوارش به آنجا می‌رفت و برای آن حضرت سوگواری می‌کرد. نکته مهم آن است که ابن جبیر در این اثر خود نیز از مکانی به عنوان قبر فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارش نداده است؛ درحالی که اگر بود بدان اشاره می‌کرد؛ چنان‌که به بیت الحزن پرداخته است.

(ابن جبیر، ۲۰۰۸م، ص ۱۵۴ - ۱۵۵)

ابن جبیر در ادامه از قبر عثمان (۳۵ق) در آخر بقیع یاد کرده و آن را با گنبدی کوچک توصیف کرده است. این در حالی است که برخی دیگر از سفرنامه‌نویسان اندلسی مقبره عثمان را بنایی مستحکم، وسیع و زیبا معرفی کرده‌اند. (عبدری، ۱۹۹۹م، ص ۴۳۲). ابن جبیر پس از قبر عثمان به قبر فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین علیه السلام علی بن ابی طالب علیه السلام پرداخته و می‌گوید روی آن نوشته شده بود؛ «ما ضم قبر احد کفاطمة بنت اسد رضی الله عنها و عن بنیها» (ابن جبیر، ۲۰۰۸م، ص ۱۵۵) ابن جبیر مشاهد بقیع را فراوان و بشمار بیان کرده است؛ زیرا در آن بیشتر صحابه از مهاجرین و انصار دفن هستند. (همان جا)

۳. مشاهد اهل بیت علیهم السلام و منسوبان پیامبر صلی الله علیه و آله در بقیع

دانشمندان اندلسی، به‌ویژه سفرنامه‌نویسان، توجه خاصی به زیارت بقیع و توصیف آن، به‌ویژه مقابر اهل بیت علیهم السلام و منسوبان به پیامبر صلی الله علیه و آله داشته و این را در آثار خود منعکس کرده‌اند. چنان‌که ابن جبیر به مقبره و بارگاه منسوبان پیامبر صلی الله علیه و آله و موقعیت آنها برابر دیگر مقابر اشاره کرده و مقبره عباس بن عبدالمطلب (۳۲ق)، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسن مجتبی علیه السلام را با تفصیل بیشتر معرفی کرده و از بزرگی و نیز تزئینات آن خبر داده است. او حتی از بیت‌الحرز نیز یاد کرده و گفته این مکانی بود که فاطمه علیها السلام برای سوگواری بر پدرش حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله بدانجا می‌رفت. (همان، ۲۰۰۸م، ص ۱۵۵)

خالد بن عیسی بلوی (۷۱۳ - ۷۸۰ق). در توصیف بقیع با اشاره به قبر برخی از صحابه و منسوبان پیامبر صلی الله علیه و آله از قبر ابراهیم، پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، دختران، عمه‌ها و همسران آن حضرت یاد کرده و سپس به روضه عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، اشاره می‌کند و از قبر حسن بن علی علیه السلام کنار عباس خبر داده و هر دو قبر را بالاتر از سطح زمین توصیف کرده و از

آراستگی حرم آنان خبر می‌دهد. (بلوی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۹) این خبر با آنچه امروزه به بهانه دین بر بقیع و مقابر آن رفته اختلاف شدید دارد. نه در ارتفاع قبرها از سطح زمین و نه در آراستگی و تزئین حرم میان مسلمانان نخستین و قرون میانه اختلاف نبوده است.

ابن رشید فهری (۶۵۷ - ۷۲۱ق.) نیز از کسانی است که به زیارت بقیع و توصیف آن در اثر خود پرداخته است؛ اما توجه چندانی به مشاهد اهل بیت علیهم‌السلام ندارد. او در حالی که از مباحث کم اهمیت‌تر در بقیع سخن گفته، از خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها از عباس، امام حسن علیه‌السلام و فاطمه بنت اسد یاد کرده است. البته درباره فاطمه بنت اسد، بیشتر از عباس و امام مجتبی علیه‌السلام سخن گفته است. ابن رشید از او با عنوان مادر امیرالمؤمنین علیه‌السلام و پسرعموی سیدالمرسلین، علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و نخستین زن هاشمی، که فرزندی هاشمی به دنیا آورد، یاد کرده و از هجرت فاطمه بنت اسد به مدینه و درگذشت او در آنجا خبر داده است. نویسنده از حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بقیع و تشییع و احترام فراوان به فاطمه بنت اسد علیه‌السلام و پوشاندن لباس خود بر فاطمه علیه‌السلام و خوابیدن در قبر او خبر داده و در پاسخ کسانی که از علت این همه احترام پرسیدند، فرمود: «هیچ کس پس از ابوطالب از او به من مهربان‌تر نبود. لباس خود را به او پوشاندم تا از زیورهای بهستی بر او پوشانده شود و در قبر او خوابیدم تا بر او آسان شود». (ابن رشید، ۱۹۹۸م، ج ۵، ص ۱۹) این سخن پیامبر افزون بر تکریم این بانوی بزرگ، بیانگر جایگاه همسر حضرت ابوطالب نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز هست و انعکاس آن در منابع اندلسی با توجه به دیدگاه آنان به عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۴. مدفونان در بقیع

یکی از مباحث مهمی که در آثار دانشمندان اندلس در همه گروه‌های دانشی، به‌ویژه مورخان و تراجم‌نگاران، دیده می‌شود، بیان نام افرادی است که

در بقیع دفن شده‌اند. این نکته به اندازه‌ای اهمیت داشت که گاه به جزئیات آن هم می‌پرداختند؛ مانند خبر درگذشت و سرگذشت افرادی که خارج از مدینه می‌مردند و آنها را در بقیع به خاک می‌سپردند؛ چنان‌که درباره سعد بن ابی وقاص گفته شده که در قصر خودش در ده مایلی مدینه درگذشت و او را به مدینه برده و در بقیع به خاک سپردند. (خزاعی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۶۰) خزاعی در بیان درگذشت یکی از اصحاب در زمان عمر در مدینه، از حضور عمر در تشییع و نماز بر پیکر او و ماندن کنار قبرش تا زمانی که دفن شد خبر می‌دهد. (همان، ۱۴۱۹، ص ۴۹۶) این گزارش‌ها افزون بر آنکه بیان‌کننده اهتمام مسلمانان به بقیع و دفن درگذشتگان در آن است، نشان‌دهنده توجه دانشمندان اندلس به جزئیات این گزارش‌ها نیز هست؛ به‌ویژه زمانی که این جزئیات درباره اموری مانند بقیع باشد که مورد تکریم مسلمانان است.

همسران پیامبر ﷺ از جمله افرادی هستند که به دلیل جایگاهشان نویسندگان اندلسی به آنان توجه کرده و در کتاب‌هایی که در علوم مختلف، مانند تفسیر، حدیث و تاریخ نگاشته‌اند، بدانها پرداخته و از محل دفن آنان نیز خبر داده‌اند؛ چنان‌که حتی مفسران در بیان ازواج پیامبر ﷺ از آنان نام برده و از بقیع به عنوان محل دفن بسیاری از آنان یاد کرده‌اند، چنان‌که قرطبی ذیل آیه شریفه ۲۸ سوره احزاب - **﴿أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتَّعَنَّ وَأُسَرِّحَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا﴾** - از همسران پیامبر ﷺ نام برده و آنان را که در بقیع دفن شده‌اند معرفی کرده است. (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۴، ص ۱۶۵ - ۱۶۷)

بزرگان و فقهای اهل سنت از دیگر افرادی هستند که اندلسیان، به‌ویژه سفرنامه‌نویسان اندلسی، به آنان توجه کرده‌اند و گاه با جزئیات، مقابر آنان را توصیف کرده‌اند، چنان‌که عبدری درباره قبر مالک بن انس، چگونگی بقعه و جزئیات آن - مانند سنگ‌نوشته‌ای که در آن تاریخ ولادت و وفات مالک درج شده بود - را توصیف کرده است. (عبدری، ۲۰۰۵م، ص ۴۲۳) وی درباره قبر عثمان نیز به برخی جزئیات پرداخته اما درباره منسوبان پیامبر ﷺ

سخنی نگفته یا بسیار به اختصار اشاره کرده است؛ چنان که درباره قبر عباس، عموی رسول خدا ﷺ، پس از توصیف قبر عثمان می گوید: «وتلیها قبر عباس» (همانجا) و به همین بسنده کرده است.

یکی از نکاتی که دانشمندان اندلس به آن توجه داشته‌اند، اهتمام به ذکر اسامی افراد مشهور یا دانشمندان غرب اسلامی (شمال آفریقا و اندلس) مدفون در بقیع است. (ر.ک: ابن بشکوال، ۱۹۵۵م، ج ۴، ص ۷۹ و ج ۵، ص ۴۲ و ۲۲۴؛ ابن بسام، ۱۹۹۸م، سراسر کتاب) اما نکته مهم آنکه گاه در لابه‌لای اخبار اینان گزارش‌های منحصر به فرد یا کمیابی یافت می‌شود که ممکن است در منابع دیگر نباشد. ابن بشکوال در بیان شرح حال ابوهارون زاهد از مرگ او در مدینه و دفنش در بقیع، کنار قبر امام حسن علیه السلام خبر داده و از مکان آن به نام مسجد فاطمه علیها السلام یاد می‌کند. (همان، ۱۹۵۵م، ج ۵، ص ۲۲۳) خبری از این مسجد در منابع دیگر دیده نمی‌شود. شاید این مسجد فاطمه علیها السلام همان بیت‌الحزن باشد که ابن جبیر از آن یاد کرده بود.

۵. گزارش جریان‌ها و رخداد‌های بقیع

از نکات مهم دیگری که در آثار مورخان اندلس بدان توجه شده است، جریان‌های مهمی مانند حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در بقیع و سخن گفتن با مدفونان در آن، پیشنهاد دفن پیامبر صلی الله علیه و آله در بقیع، دفن عثمان و نیز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام و جلوگیری از دفن آن حضرت کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و دفن عایشه است که به ترتیب تاریخی ارائه می‌شوند. همچنین خبر حضور کاروان‌های تجاری در آثار دانشمندان اندلسی دیده می‌شود. نکته جالب آنکه برخی اصطلاحات نیز در منابع اندلسی به کار رفته است؛ مانند «یوم البقیع» یا «لیلة البقیع» که به نظر می‌رسد با توجه به رسم عرب در نام‌گذاری رخداد‌های مهم به زمان یا مکان و نام آن واقعه این اسامی اشاره به رخدادی مانند جنگ میان دو قبیله باشد؛ چنان‌که ابن اثیر (۵۵۵ - ۶۳۰ق.) ذیل عنوان یوم البقیع از جنگ میان اوس و خزرج یاد کرده است. (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۶۷۳)

الف) رحلت پیامبر ﷺ

یکی از رخداد‌های مهمی که در آن از بقیع سخن به میان آمده و اندلسی‌ها نیز بدان توجه داشته و بیان کرده‌اند، هنگام رحلت حضرت محمد ﷺ است. برخی از بقیع به عنوان محل پیشنهادی برای دفن رسول خدا ﷺ یاد کرده‌اند. قرطبی ذیل آیه شریفه ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ (آل عمران، ۱۴۴) با اشاره به جریان‌های پس از رحلت پیامبر ﷺ و انکار آن از سوی عمر (۲۳ق) تا رسیدن ابوبکر (۱۳ق) و بیان آیات بیان‌کننده خبر مرگ پیامبر ﷺ و سکوت او، به علت تأخیر در دفن پیامبر ﷺ اشاره کرده و می‌گوید به چند دلیل این اتفاق رخ داد: یکی از آنها اختلاف در محل دفن پیامبر ﷺ بود که برخی از مسجد و برخی از بقیع برای محل دفن آن حضرت نام بردند و بعضی هم از ضرورت نگهداری پیکر پاک رسول خدا ﷺ برای ملحق کردن آن حضرت به پدرش ابراهیم سخن گفتند. (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۲۲۴) به هر حال در جریان دفن حضرت محمد ﷺ نیز بحث از بقیع به میان آمده و این نشان‌دهنده اهمیت بقیع و نیز نشان‌دهنده اهتمام نویسندگان اندلسی به بقیع و جایگاه آن است که حتی به چنین جزئیاتی نیز توجه داشته‌اند.

ب) دفن عثمان

یکی از جریان‌های مهم مرتبط با بقیع، که گاه با جزئیات در آثار دانشمندان اندلس منعکس شده است، جریان دفن عثمان است که به تفصیل در منابع اندلسی گزارش شده است. اما در این نوشتار تنها به جریان‌های مرتبط با بقیع اشاره می‌کنیم. برخی منابع و گزارش‌ها چنین آورده‌اند که پس از کشته شدن عثمان افرادی شبانه قصد داشتند او را در بقیع دفن کنند و هنگامی که بر قبر رسیدند، عده‌ای از بنی‌مازن مانع شدند و گفتند: اگر او را دفن کنید فردا مردم را از محل دفن او باخبر می‌کنیم. آنان به ناچار جسد او را برداشته و به حش کوکب برده و در آنجا دفن کردند. (خزاعی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰۴ - ۲۰۵) نکته

جالب در این گزارش حضور عایشه، دختر عثمان، است که درحالی که چراغی در دست داشت، همراه آن افراد حضور داشت و هنگامی که قصد دفن عثمان را داشتند فریاد زد و ابن زبیر با تهدید او را ساکت کرد. (همانجا) همچنین گزارشی از حضور نائله و ام‌البین بنت عینیه، همسران عثمان، در این جمع و حتی ورود آنها به قبر یا کمک آنها برای دفن عثمان خبر می‌دهد. (همان، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰۵؛ ابن عبدالبر، ۱۹۹۲م، ج ۳، ص ۱۰۴۸ - ۱۰۴۹) این نکته خود دلیلی بر آن است که در آن زمان و درحالی که صحابه حضور داشتند، حضور زنان در قبرستان بقیع ممنوع نبوده است.

نکته جالب دیگر در این گزارش آن است که نویسنده تلاش می‌کند تا حش کوکب را هم جزئی از بقیع معرفی کند و از این‌رو در تعریف حش کوکب می‌نویسد: «حش به معنای باغ و کوکب نام یکی از انصار بود. عثمان این باغ را خریداری و آن را به بقیع اضافه کرد» و در ادامه هم به این نکته اشاره کرد که او خود اولین فردی بود که در آن دفن شد. (خزاعی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰۵) حتی نویسنده تخریح الدلات السمعیة بر آن است تا با بیان گزارش‌هایی جایگاهی برای آن درست کند و از این‌رو در ادامه گزارشی هم از عثمان نقل کرده‌اند که او بر حش کوکب گذر می‌کرد و می‌گفت: «به‌زودی مرد صالحی در این مکان دفن می‌شود» تا اینکه کشته شد و او را در آنجا دفن کردند و قبرش را پنهان کردند. (همانجا) درحالی که منابع دیگر مطلب را به گونه‌ای متفاوت بیان کرده‌اند. برخی آن باغ را از آن یک فرد یهودی یا قبرستان یهود دانسته؛ بعضی با عنوان مکانی پست از آن یاد کرده‌اند. (امینی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۹۴) در هر صورت عثمان را در آن دفن کردند و بعدها به قبرستان بقیع ضمیمه شد.

برخی منابع دیگر نیز از پیوستن حش کوکب به بقیع در دوره‌های بعد توسط فرزندان عثمان حکایت دارند؛ چنان‌که ابن عبد ربه اندلسی ضمن اشاره به اینکه عثمان آن را خریداری کرده بود می‌گوید: «فرزندان عثمان آن را مقبره مسلمانان قرار دادند». وی حتی از تصریح به پیوستن آن به بقیع خودداری کرده

(ابن عبد ربه اندلسی، ۱۹۹۹م، ج ۵، ص ۳۸) و فقط به اینکه مقبره مسلمانان شد، بسنده کرده است. بکری اندلسی از وجود دیواری میان آن و بقیع خبر داده که توسط معاویه تخریب، و به بقیع پیوست. (بکری، بی تا، ج ۲، ص ۴۵)

ج) شهادت امام مجتبی علیه السلام

گزارش‌ها درباره شهادت امام حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام و چگونگی دفن آن حضرت در بقیع نیز از مطالبی است که مورخان اندلسی به آن توجه کرده‌اند. البته برخی گزارش‌های آنها نقدپذیر است که با بیان اخبار بدان اشاره خواهد شد.

ابن عبدالبر درباره شهادت امام حسن علیه السلام معتقد است که ممانعت مروان و بنی‌امیه سبب دفن نشدن امام حسن علیه السلام کنار قبر مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله و انتقال پیکر مطهر آن حضرت در بقیع بوده است. او با اشاره به سخن امام با عایشه و اجازه گرفتن از او، از توصیه آن حضرت به امام حسین علیه السلام خبر داده که ممکن است این رضایت عایشه در حضور من بوده باشد و پس از من از او سؤال کن و اگر رضایت داشت مرا کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دفن کنید و اگر راضی نبود به قبرستان مسلمانان ببرید. در ادامه از سخن گفتن امام حسین علیه السلام در این باره با عایشه و اعلام رضایت او خبر داده و اینکه مروان با سلاح آمد و با اعلام اینکه از دفن عثمان در این مقبره جلوگیری کردند و حالا می‌خواهند حسن بن علی علیه السلام را در آنجا دفن کنند مانع دفن امام در آنجا شد. پس از این امام حسین علیه السلام دستور دادند جنازه برادر را برداشته به بقیع بردند و کنار مادرش فاطمه علیه السلام به خاک سپردند. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۳۹۲) این گزارش در حالی است که برخی از اندلسیان خبری از موافقت یا مخالفت عایشه بیان نکرده و به‌نوعی از کنار آن گذشته و تنها به جلوگیری مروان پرداخته‌اند (ابن عبد ربه اندلسی، ۱۹۹۹م، ج ۵، ص ۱۱۰). چنین گزارشی می‌تواند برخاسته از عدم پذیرش آن خبر باشد.

افزون بر ناهمخوانی خبر ابن عبدالبر از واقعه با دیگر منابع اندلسی، این

گزارش چند اشکال دارد و نقدهایی بر آن وارد است: اول آنکه عایشه خود مانع دفن امام کنار جد بزرگوارش شد و سوار بر استر برابر افراد ایستاد و مانع رفتن آنها شد (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴۲ - ۲۴۳)؛ اشکال دیگر خبر دفن آن حضرت کنار مزار مادرش فاطمه علیها السلام است؛ درحالی که بسیاری از دانشمندان اندلسی و غیر آنان از قبر حضرت فاطمه علیها السلام در بقیع نام نبرده‌اند.

د) دفن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

از مهم‌ترین خبرهایی که دانشمندان اندلسی بدان توجه داشته و آن را گزارش کرده‌اند، اخبار یکی از گروه‌های مهم مدفون در بقیع، یعنی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است که قبر آنان نیز دارای بقعه‌ای بوده و تخریب شده است. ابن جبیر (۵۴۰ - ۶۱۴ق.) و ابن بطوطه (۷۰۳ - ۷۷۹ق.) و دیگران از کیفیت آن بقعه خبر داده‌اند. (ابن بطوطه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ ابن جبیر، ۲۰۱۴م، ص ۱۳۹) منابع به بهانه‌های مختلف از دفن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله سخن گفته‌اند؛ چنان‌که مفسران در بحث از آیه شریفه ۲۸ سوره احزاب از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کرده و آنان که در بقیع دفن شده‌اند را گاه با جزئیات چگونگی دفن و زمان آن معرفی کرده‌اند. (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۴، ص ۱۶۵ - ۱۶۷) یکی از جریان‌های مهم درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله دفن عایشه است که در زمان معاویه درگذشت و پیش از مرگش از او درباره محل دفنش سؤال شد که آیا کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دفن شود؟ او در پاسخ گفت: خیر چون پس از پیامبر صلی الله علیه و آله کارهایی انجام دادم. مرا کنار خواهرانم (دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله) در بقیع دفن کنید. ابن عبد ربه با گزارش این خبر در ادامه از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه و بر حذر داشتن او از پارس سگ‌های حوآب خبر داده است. (ابن عبد ربه اندلسی، ۱۹۹۹م، ج ۵، ص ۷۹)

ه) اولین مدفون در بقیع

اهمیت داشتن جایگاه بقیع در نظر اندلسی‌ها سبب توجه آنها به بیان جزئیات آن شده است؛ به گونه‌ای که نخستین فرد دفن شده در بقیع و تاریخ آن را نیز ثبت کرده‌اند. ابن عبدالبر نخستین فرد مدفون در بقیع را عثمان بن مظعون (۲ق)

دانسته و با اشاره به اخباری که درباره درگذشت او وجود دارد، زمان دفن او را پس از جنگ بدر ذکر کرده و برای اثبات سخن خود به حضور او در جنگ بدر اشاره کرده است. ابن عبدالبر از حضور رسول خدا ﷺ در تشییع و دفن او خبر داده و او را از کسانی معرفی کرده که در جاهلیت نیز شراب را حرام می‌دانست. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲م، ج ۳، ص ۱۰۵۴)

(و) گزارش حضور کاروان‌های تجاری در بقیع

یکی از نکات مورد توجه نویسندگان اندلسی گزارش اخبار حضور کاروان‌های تجاری در بقیع است که حتی در آثار مفسران نیز بدان اشاره شده است. چنان‌که قرطبی ذیل آیه شریفه ۱۱ سوره جمعه^۱ به این موضوع پرداخته است. او شأن نزول این آیه شریف را رها کردن پیامبر ﷺ حین خطبه روز جمعه و رفتن مسلمانان به سوی کاروانی تجاری می‌داند که مواد غذایی داشت و در بقیع وارد شده بود. (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۸، ص ۱۱۰)

اشاره به حضور کاروان‌های تجاری در بقیع نیز بیانگر آن است که شاید به‌نوعی بازار موسمی در بقیع برگزار می‌شده است.

این نکته با گزارش‌های دیگران تأیید می‌شود. چنان‌که خزاعی درباره عبدالرحمان بن عوف می‌گوید: «بازرگان بود و اموال فراوانی به دست آورد؛ به‌گونه‌ای که هزار شتر و سه هزار گوسفند و صد اسب در بقیع به جا گذاشت». (خزاعی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۵۴) ابن عبد ربه نیز از سؤال فردی از دیگری درباره یافتن چیزی در بقیع گزارش کرده و از چگونگی عمل در این باره پرسیده که شخص مقابل گفت آن را بین تجار می‌گردانم اگر برای آنها نبود برای شما باشد. (ابن عبد ربه اندلسی، ۱۹۹۹م، ج ۴، ص ۱۲۶) گرداندن چیزی که پیدا شده میان بازرگانان و نه عموم مردم نشان می‌دهد بقیع محل حضور بازرگانان نیز بوده یا حداقل بازارهای فصلی در آن برگزار می‌شده است.

۱. «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»

۶. حضور زنان در بقیع

دانشمندان اندلسی به حضور زنان در بقیع هم توجه داشته و آن را گزارش کرده‌اند. این در حالی است که امروزه از حضور زنان در بقیع و زیارت مدفونان در آن ممانعت می‌شود و جالب آنکه این رفتار را مستند به سیره سلف می‌کنند؛ درحالی‌که گزارش‌های تاریخی خلاف آن را اثبات می‌کنند. گزارش ابن جبیر از مکانی به نام بیت‌الحزن برای حضرت زهرا علیها السلام و تصریح بر اینکه در آنجا حضور یافته و برای پدر بزرگوارش سوگواری می‌کرده است (ابن جبیر، ۲۰۰۸م، ص ۱۵۵) یکی از گزارش‌هایی است که مؤید حضور زنان در بقیع و عدم مخالفت صحابه با این رفتار است. همچنین گزارش‌هایی از حضور همسران عثمان در تشییع و دفن او و حتی رفتن به داخل قبر و قرار دادن جنازه او در قبر خبر می‌دهند (خزاعی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰۵؛ ابن عبدالبر، ۱۹۹۲م، ج ۳، ص ۱۰۴۸) و اینکه این اقدام با مخالفت صحابه مواجه نشد. انعکاس این اخبار در منابع دانشمندان اندلس بیانگر توجه آنان به جزئیات خبرهای مرتبط با بقیع و تأیید این گزارش‌ها از سوی آنان نیز می‌تواند باشد.

۷. سوگواری در بقیع

یکی از نکات مهم که در منابع اندلسی به آن توجه شده است، اشاره به سوگواری برخی افراد عادی جامعه در حضور صحابه و جلوگیری نکردن آن از سوی آنان است. گزارش بیت‌الحزن حضرت زهرا علیها السلام در منابع مختلف آمده است؛ چنان‌که ابن جبیر به آن اشاره کرده و کارکرد آن را نیز سوگواری حضرت فاطمه علیها السلام برای پدر بزرگوارش دانسته است. (ابن جبیر، ۲۰۰۸م، ص ۱۵۴) ابن عبد ربه از ملاقات یک فرد عرب با عمر بن خطاب در بقیع خبر می‌دهد که در مرگ فرزندش، سوگواری می‌کرد. عمر از علت حضور او در بقیع پرسید. گفت: سه سال است که امانتی در اینجا دارم و بر آن گریه می‌کنم و در ادامه آن امانت را فرزند خود معرفی کرد که سه سال پیش درگذشته است.

فرد عرب در ادامه به خواست خلیفه اشعاری که در سوگ فرزندش سروده بود را برای او خواند و عمر او را نهی نکرد بلکه او را تصدیق کرد و گفت درست می‌گویی؛ اما خداوند از او برای تو بهتر است. (ابن عبد ربیه اندلسی، ۱۹۹۹م، ج ۳، ص ۲۱۲)

۸. نام‌گذاری قبرستان‌هایی به نام بقیع

یکی از نکته‌های مهم در مغرب اسلامی، به‌ویژه اندلس، تقلید از شرق در امور مختلف حتی در نام‌گذاری اماکن است. شاید بر همین اساس باشد که برخی افراد از مکان‌هایی برای دفن درگذشتگان با عنوان بقیع یاد کرده‌اند. در واقع تشبه به نام بقیع در قبرستان‌های اندلس از نکته‌های مهمی است که در آثار دانشمندان اندلس دیده می‌شود؛ چنان‌که ابن بشکوال در شرح حال فردی به نام علیم بن عبدالعزیز بن عبدالرحمان بن هانی العمری، از دانشمندان شاطبه، با بیان ویژگی‌ها و محاسن وی به خبر درگذشت او اشاره کرده و از دفن او در بقیع متصل به مسجد جامع خبر داده است و اینکه مردم به قبر او تبرک جسته و از خاک قبر او برای توسل و شفا برمی‌داشتند. (ابن بشکوال، ۱۹۵۵م، ج ۶، ص ۲۶۹)

چنین خبری درباره شهر قرطبه نیز وجود دارد که درباره معاویة بن صالح حضر می‌ذکر شده که در قرطبه درگذشت و در بقیع ربض دفن شد. (نباهی، ۱۹۹۵م، ص ۶۴) البته ممکن است در این خبرها بقیع به معنای باغ به کار رفته باشد. اما با توجه به معنای لغوی بقیع که در آغاز نوشتار ذکر شد و نیز اینکه این گزارش‌ها از محل دفن افراد خبر می‌دهند شاید بتوان گفت که این اماکن محل دفن و قبرستان بوده و به دلیل اهمیت و ارزش نام بقیع نزد مسلمانان بدان نام‌گذاری شده است.

شاهد دیگر این نام‌گذاری گزارشی از ابن عربی است که از رفتن یحیی بن توغان، حاکم تلمسان، از شهری به شهر دیگر خبر می‌دهد که بین آن دو بقیع

قرار داشت که در آن قبوری وجود داشت. (ابن عربی، ۲۰۰۱م، ج ۲، ص ۷۷) این بقیع اگرچه به نظر می‌رسد به معنای باغ یا مکانی شبیه آن به کار رفته، اما با توجه به تصریح بر وجود قبور در آن باید آن را قبرستان دانست که ممکن است درختانی هم در آن وجود داشته باشد.

ارزیابی انعکاس اخبار بقیع در آثار اندلسیان

نگاهی به آثار اندلسیان در موضوعات مختلف، از جمله بقیع، نشان‌دهنده تأثیر سیاست و مذهب در انعکاس اخبار بقیع در نوشته‌های آنان است. اگرچه گاهی گزارش‌ها به‌درستی نقل شده‌اند، اما در بسیاری از امور رد پای سیاست و مذهب در آن دیده می‌شود. حاکمیت امویان بر آن ناحیه و ضدیت با فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام در این موضوع اثرگذار بوده است؛ چنان‌که گاه از مقبره خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن نگفته‌اند؛ درحالی‌که جزئیات مقابر برخی دیگر، مانند عثمان، را به‌تفصیل آورده‌اند؛ چنان‌که در رساله اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه و المناسک درحالی‌که از قبر صفیه، عمه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مادر زبیر یاد کرده، اشاره‌ای به قبور اهل بیت علیهم‌السلام نکرده است. (ابن عربی، ۲۰۰۱م، ج ۲، ص ۱۸۵) شاید بتوان گفت بیان قبر فاطمه بنت اسد علیها‌السلام کنار قبر عثمان نیز تحت تأثیر همین جریان‌ها بوده است؛ درحالی‌که مادر امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بقیع دفن شده و عثمان در خارج بقیع دفن شده (خزاعی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰۴ - ۲۰۵) و محل دفن او بعدها به بقیع متصل شده است. (ابن عبد ربه اندلسی، ۱۹۹۹م، ج ۵، ص ۳۸)

نتیجه

از آنچه گفته شد چنین بر می‌آید که دانشمندان اندلس نگاه ویژه‌ای به بقیع داشته و به گونه‌های مختلف اخبار مربوط به بقیع و جزئیات آن را در آثار خود ثبت و گزارش کرده‌اند.

بیان موقعیت جغرافیایی بقیع، اهمیت، فضیلت و جایگاه بقیع نزد مسلمانان،

اخبار و رخداد‌های مربوط به بقیع، زیارت بقیع توسط مسلمانان و نیز مدفونان در بقیع از نکات مهمی هستند که در آثار آنان بدان پرداخته شده است. توصیف مقابر اهل بیت علیهم‌السلام و تأکید بر زیارت بقیع و بقعه‌های آن نیز از نکاتی است که دانشمندان آن خطه بر آن تأکید داشته‌اند.

البته رد پای تأثیر جریان‌های سیاسی یا وابستگی‌های مذهبی در این آثار کم‌وبیش دیده می‌شود؛ چنان‌که برخی همانند ابن جبیر و... در ذکر بقعه‌ها و مدفونان در بقیع از قبر امام حسن بن علی علیه‌السلام و عباس بن عبدالمطلب یاد کرده است؛ اما اشاره‌ای به قبر دیگر امامان مدفون در بقیع و کنار امام مجتبی علیه‌السلام ندارند؛ درحالی‌که گاه به جزئیاتی از رخداد‌های واقع در بقیع و افراد غیر مشهور پرداخته‌اند.

عاصره من ذوی السلطان الاکبر (تاریخ ابن

خلدون)، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر.

۸. ابن خلکان، احمد بن محمد (۲۰۰۵م)،

وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق

احسان عباس، چاپ چهارم، بیروت، دارصادر.

۹. ابن رشید، محمد بن عمر، ملء العیبة، به

کوشش محمد الحیب، بیروت، دارالغرب

الاسلامی.

۱۰. ابن عبد ربہ، احمد بن محمد، (۱۹۹۹م)،

عقد الفرید، چاپ اول، تحقیق برکات یوسف،

بیروت، دار ارقم بن ابی ارقم.

۱۱. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۹۹۲م)،

الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، چاپ اول،

تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل.

۱۲. ابن عربی، محمد بن عبد الله (۲۰۰۳م)،

احکام القرآن، چاپ دوم، تحقیق محمد

عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۱۳. ابن عربی، محمد بن علی (۲۰۰۱م)،

محاضرة الابرار و مسامرة الاخيار، چاپ اول،

تحقیق محمد عبدالکریم النمری، بیروت،

دارالکتب العلمیة.

۱۴. بکری، عبدالله بن عبد العزیز، معجم ما

استعجم من أسماء البلاد و المواضع، چاپ

اول، بیروت، عالم الکتب.

۱۵. بلوی، خالد بن عیسی (بی تا)، تاج المفرق

فی تحلیة علماء المشرق، تحقیق حسن

السانح، مغرب، صندوق احیاء التراث الاسلامی.

منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)،

النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، قم،

اسماعیلیان.

۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)،

الکامل فی التاریخ، چاپ بیروت، دارصادر .

۳. ابن بسام، علی بن بسام (۱۹۹۸م)، الذخيرة

فی محاسن اهل الجزيرة، چاپ اول، تحقیق

سالم مصطفی البدری، بیروت دارالکتب

العلمیة.

۴. ابن بشکوال، خلف بن عبدالملک

(۱۹۵۵م)، الصلة فی تاریخ ائمة الاندلس

وعلمائهم و محدثیهم و فقهایهم و ادبائهم،

تصحیح سید عزة عطار الحسینی، قاهرة، مطبعة

السعادة.

۵. ابن جبیر، محمد بن احمد (۲۰۰۸م)، تذكرة

بالاخبار عن اتفاقات الاسفار، چاپ اول

بیروت - ابوظبی، المؤسسة العربیة للدراسات و

النشر، - دارالسویدی .

۶. _____ (۲۰۱۴م)، رسالة اعتبار

الناسک فی ذکر الآثار الکریمة و المناسک،

چاپ اول، تحقیق رشید العفاقی، رباط،

دارالأمان للنشر و التوزیع.

۷. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد

(۹۸۱م)، کتاب العبر و دیوان المبتداء و

الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من

۱۶. بلوى، يوسف بن محمد (۲۰۰۹م)، كتاب الف باء فى انواع الآداب و فنون المحاضرات و اللغة، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۷. خزاعى، على بن محمد (۱۴۱۹ق)، تخريج الدلالات السمعية على ما كان فى عهد رسول الله صلى الله عليه و سلم من الحرف و الصنائع و العملات الشرعية، بيروت، لبنان، دار الغرب الإسلامى.
۱۸. عبدرى، محمد بن محمد، (۱۹۹۹م)، رحلة العبدرى، چاپ اول، تحقيق على ابراهيم كردى، دمشق، دار سعدالدين.
۱۹. عميد، حسن (۱۳۸۹ش)، فرهنگ فارسى، چاپ اول، تهران، راه رشد.
۲۰. عنان، محمد عبد الله (۱۳۸۰ش)، تاريخ دولت اسلامى در اندلس، چاپ دوم، ترجمه عبدالمحمد آيتى، تهران، انتشارات كيهان.
۲۱. فراهيدى، خليل بن احمد (بى تا)، العين، قم، دارالهجرة.
۲۲. فهري، محمد بن عمر (۱۹۸۸م)، ملء العيبة بما جُمع بطول الغيبة فى الوجهة الوجيهة الى الحرمين مكة و طيبة، چاپ اول، تحقيق محمد حبيب بن خوجه، بيروت، دارالغرب الاسلامى.
۲۳. قرطبى، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحكام القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۴. قطب راوندى، سعيد بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدي عليه السلام.
۲۵. معين، محمد (۱۳۷۵ش)، فرهنگ فارسى، چاپ نهم، تهران، انتشارات امير كبير.
۲۶. مؤنس، حسين (۱۴۱۶ق)، موسوعة تاريخ الأندلس تاريخ - فكر و حضارة و تراث، چاپ اول، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية.
۲۷. نهاى، على بن عبدالله (۱۹۹۵م)، تاريخ قضاة الاندلس او المرقبة العليا فيمن يستحق القضاء والفتيا، چاپ اول، تحقيق مريم قاسم طويل، بيروت، دارالكتب العلمية.